

نویسنده: پاول کریگ رابرت (Paul Craig Roberts).
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز («2016-08-27»).
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ایالات متحده امریکا : یک ملت مرده پیاده رو

The US : A Dead Nation Walking

انفرمیشن کلیرنگ هوز : مقاله آموزنده از دیمیتری اورلوف «D. Orlov»

<http://www.cluborlov.com>

من با استفاده از نوشته های اورلوف و شاهین اروپایی بررسی ها می را خودم نتیجه

گیری می نمایم

اورلوف در مقاله خود چنین نتیجه گیری مینماید و آن اینکه ایالات متحده امریکا یک ملت مرده است که تا هنوز در حال رفتن و قدم زدن است اما نه به صفت یک قدرت با هم متحد و یک پارچه برای مدت طولانی، من با این گفته و اورلوف کاملاً موافقم و آن اینکه بگونه مثال سیستم های سلاح امریکا نسبت به اثر بخشی اش بیشتر بر سود متمرکز است در حالیکه برتری سلاح روسی بر اساس حفاظت و نگهداری آن نسبت به تفوق و متباز بودن آن است. بهر صورت آقای اورلوف در ارزیابی خود از احتمال وقوع جنگ هستوی سخن بمیان آورده و من فکر میکنم که آقای اورلوف در تحت تاثیر قدردانی از تعهد نو محافظه کاران و اشنگتن بغرض هژمونی (سلطه جویی) امریکا و بی مبالاتی نیوکان ها و «هیلا ری کلنتون» قرار گرفته است. خشم و غضب امریکا به مقابل روسیه و «چین» به نسبت جسارت و ایستادگی این کشورها در ضدیت با امریکا است. خشم خارج از قضاوت اجماع.

من همچنین فکر میکنم که آقای «اورلوف» از روی تخمین ضعف دولت روسیه را در ادغام با پیمان اتلانیک شمالی کمتر جلوه داده و یا بدست کم گرفته است - این اعضای از نخبگان روسی به این باور و عقیده اند که روسیه در آینده ها با غرب مدغم و یک پارچه خواهد شد و بغرض نیل به این هدف ممکن است که روس ها یک مقدار نا مشخص از حاکمیت روسیه را نیز از دست خواهند داد و یا بخاطر این پیوستگی و ادغام تا اندازه ای فداکاری نیز خواهند کرد.

بررسی و نتیجه گیری که من با خود نمودم و یا که نتیجه گیری مینمایم این چنین است :
که واشنگتن از محدودیت های موجود مبنی بر تمایل سطح پذیرش ادغام روسیه به غرب

آگاهی داشت و به همین دلیل بود که چرا واشنگتن مستقیماً در روسیه رخنه کرد و به سازماندهی یک کودتا بخاطر سرنگونی دولت منتخب اوکراین داخل اقدام شد، من معتقدم که این محدودیت‌ها اشتباهات روسیه را نیز به توضیح می‌گیرد و آن اینکه اشتباه دولت روسیه در آن بود که از درخواست و تقاضای جمهوری‌های دونیتسک (Donetsk) و لوهانسک (Luhansk) بعنوان بخشی‌های از روسیه با هم در همکاری‌های مجدد امتناع ورزید سرزمین‌هایی که قبلاً از قلمرو روسیه بود - تاکید من در اینجا برای روسیه در اینست که روسیه نباید اشتباه دیگری را مرتکب شود و آن اینکه نباید قبل از وخت نیروهای خود را از سوریه بیرون سازد و برای واشنگتن این فرصت را ندهد که واشنگتن تمام جهادیت‌ها و مخالفین دولت سوریه را با سلاح‌های مدرن سبک و سنگین مجدداً مجهز و تسلیح نماید که با این صورت وضع را برای روسیه و سوریه مغلق و بیچیده سازد .

از سوی دیگر آقای اورلوف در اشاره با استفاده بردن روسیه از مخالفت‌ها و مخالفت‌های کنونی بین کیف (Kiev) و جمهوری‌های جدا شده از بدنه روسیه به این باور است که دوام این درگیریها و مخالفت‌ها زمینه را برای انقراض دولت دست‌نشانده ایالات متحده آمریکا در کیف مساعد می‌سازد - ولی آقای اورلوف نباید نادیده گیرد که دوام این مخالفت‌ها برای روسیه نتایج سو و منفی نیز با خود به ارمغان می‌آورد و آن اینکه برای رسانه‌های غربی فرصت مساعد میشود که تمام بار ملامتی را با تبلیغات پرطمطراق خود به گردن روسیه حواله نمایند و در تنور احساسات حلقات منتقد و ضد روسیه آتش را بیشتر خروشان سازند و بگونه مثال از ادغام نمودن کریمه به قلمرو روسیه طبل تبلیغات را با این آهنگ که روسیه قصد دارد که جمهوری‌های جدا شده را با خود مجدداً الحاق نماید خواهند کوبید .

افزون بر آن اگر دولت روسیه درخواست از دونیتسک (Doetsk) و لوهانسک (Luhansk) را می‌پذیرفت که مجدداً به روسیه برگردند و یا الحاق شوند چونکه آن دو دولت بطور ساختگی و مصنوعی از بدنه روسیه جدا ساخته شده بود نه تنها که درین حوزه جنگ و خصومت به پایان می‌رسید بلکه مردم اوکراین متوجه می‌شدند که عامل اصلی فاجعه کودتا که بر ضد حکومت‌شان صورت گرفت واشنگتن بوده و اروپا از اقدام قاطع روسیه این برداشت را مینمود و آن اینکه هرگز علاقه نمیداشت که روسیه را علیه واشنگتن تحریک نماید بلکه واکنش درست روسیه مبنی بر تمایل تمامیت‌طلبی پیمان اتلانتیک شمالی بخاطر تسکین و دلجویی واشنگتن جلوگیری میشد .

در مقابل اورلوف این شاهین اروپایی با درک از اهمیت جلوه دادن قدرت نظامی روسیه این را می‌فهمید که توسط آنها یک خواهان ادغام روسیه در پیمان اتلانتیک شمالی می‌باشند کسانی‌اند که محدودیت‌های چندی را به مقابل روسیه قرار داده‌اند که این محدودیت‌ها مانع قاطعیت روسیه میگردد و این کسان شماری را در صفوف

خود بخاطر ایجاد نهاد اقتصادی با خود دارند بشمول مسولین بانک مرکزی و شاید هم شخص نخست وزیر را. ولی به نظر پوتین چنین نمی رسد و یا نگران آن بهر صورت نمیاید شد که بمقابل او ستون پنجم از اعمال و اشنگتن قرار داشته باشد حالانکه خود پوتین در دستیا بی توافق با غرب شرایط بیشتر سنگین را به جلو غربی ها گذاشته است - و اقای پوتین در عین زمان به نهادهای غیردولتی (NGO) ایالات متحده امریکا به نسبت تمویل مالی شان که در پی بی ثبات ساختن روسیه برنامه ریزی مینمایند زنگ خطر را بصدا در آورده است و آن به این مفهوم که پوتین از اجندای کار این سازمانهای غیر دولتی ایالات متحده امریکا در مورد خود و در مورد بی ثبات ساختن کشورش آگاهی همه جانبه دارد.

گزارشات اتاق های تنویر غرب و راپور های پوهنتون های غربی در تبلیغات ضد روسی خود به ارتباط اوضاع روسیه پروپاگندهای نادرست و بی فایده را براه انداخته و همچو طوطی وار آنها تبلیغ و زمزمه و اشاعه مینمودند که از آن جمله اینهم بگونه آی مثال با در نظر داشت وضع موجود گفتهای اقای **توماس گراهم (Thomas Graham)** را در نظر میگیریم یعنی کسیکه در زمان زمامداری جورج دبلیو بوش (Georg W. Bush) مامور بررسی اوضاع روسیه در شورای امنیت ملی ایالات متحده امریکا بود او به بی ثبات ساختن شرق اوکراین یعنی به کریمه که به روسیه الحاق میشد از هیچگونه تلاش دریغ نه نمود. و او در سرنگون ساختن و انقراض دولت منتخب که در حدود (97) فیصد رای دهندگان بخاطر الحاق کریمه به روسیه رای موافق داده بودند هنگام که و اشنگتن حکومت ترس از روسیه (Russophobia) را در کیف بوجود آورد از مداخله ایالات متحده امریکا انکار نمود.

<http://nationalinterest.org/feature/the-sources-russian-conduct-17462>

با توجه به گفته های **گراهم** و عمل نادرست و ناپاک او به ارتباط روسیه را میتوان چنین توضیح داد: **گراهم** از دوستی و مناسبات حسنه و حمایت از نگرش روسیه که بین دموکرات های و اشنگتن و روسیه برقرار شده بود سخت ناراحت و اندوهگین بود و با در نظر گرفتن همین اصل او از هیچگونه تلاش در برهم زدن این مناسبات حسنه که بین دموکرات های و اشنگتن و روسیه ایجاد شده بود دریغ نه نمود و آن رهنمودی را که حاصل تلاش های دموکرات های و اشنگتن و روسیه بود یعنی رهنمودی که در پرتو آن و اشنگتن و روسیه باید پالیسی های شان را سبک و سنگین نمایند نقش بر آب ساخت تا جایکه دیگر برای مدت طولانی امکان آن وجود نداشته باشد که روسیه به حیث یک شریک مناسب در ابراز نظر به مسایل بین المللی و جهانی باشد او یعنی **گراهم** روسیه را به نسبت اینکه خواهان جهان چند قطبی و ضد تک قطبی و اشنگتن است بعنوان

یک مشکل و پرابلم تعریف نمود و ضدیت خود را بمقابل روسیه نشان داد .
این امکانیت و فرصت در دست است که میتوان خط تبلیغاتی تکرار و مکرر یاوه گوییهای
اقای گراهم را هنگامیکه به جلو روی محافظه کاران جدید (neoconservative) ایالات
متحده امریکا زانو میزند و به رکوع می پردازد بشکل بسیار بی سروصدا نسبت به
نگرش هژمونیک خود بالای روسیه می تا زد بخوانش گرفت. گراهم در پراگراف و در بند
پایانی سخنان خود چنین می گوید : که واشنگتن به ارتباط روسیه یک رویکرد و یایک
برخورد جدید را باید از آن خود سازد یعنی یک رویکرد متعادل با محدودیت های که
بتواند جلو «توسل به زور» را سد نماید که البته سد نمودن «توسل به زور» با بکار
بردن سلاح های که دارای قدرت تخریبی بیشتر باشد فراهم شده میتواند .
همه و همه بایک استدلال حيله گرونا درست مبنی بر اینکه این روسیه است که واشنگتن
را بخاطر اوضاع خطرناک کنونی سرزنش مینماید و یا واشنگتن را محرک اوضاع
نارام کنونی جهان میدانند با این توافق رسیدند که واشنگتن باید به دفاع از منافع ملی
خود در مقابل روسیه دست بکار شود .

بهر صورت بخاطر اطمینان مجدد بهتر خواهد بود که بعضی از واقعیت های را که
در عقب نگرش های واشنگتن نسبت به روسیه در حال پا گرفتن و خیزش است بدانیم
گرچه ریا لیزم و یا واقعیتگرایی یا واقعیت بینی تا هنوز یک چشم انداز و یک دید اقلیت ها
میباشد و چندان طرفدارانی ندارد و با در نظر داشت همین برهه بیشتر ناگذیر و غیر ممکن به
نظر می آید که ریا لیزم و یا واقعیتگرا ها در رژیم هیلاری کلنتون جای پا داشته باشند .
به نظر من این چانس از جنگ هستوی که در آن اراده و تمایل نیوکان ها بخاطر
تامین منافع ایالات متحده امریکا زیدخل پنداشته میشود یک پیشبینی غلط و یا بجز یک
راه اندازی هشدار دهنده ای نا درست چیزی دیگری نمیتواند باشد - تحریکات و تفتین
نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو و ایجاد پایگاه های موشکی در مرزهای
روسیه خود ناشی از بی پروایی مقامات پنتاگون بوده که این خود باعث ایجاد تنش
بین قدرت های هسته ای میگردد - وقت آن رسیده است که این را باید بدانیم که با
هشدار های بیجا و غلط باورها و محاسبات غلط رخ میدهد و دلگرمی های زندگی را
در روی زمین از بین میبرد بناً واشنگتن باید در مقابل روسیه از این تنش های لجام گسیخته
ای خودبکاهد ولی دریغاً که محافظه کاران جدید ایالات متحد امریکا با وجود قصد داشتن
سیاست هژمونی خود تا حال در اندازه و مقدار تنش های روبه تزايد خود در مقابل روسیه
کمی کاستی نه نموده اند و بخاطر بهتر زیستن انسانها در روی این کره خاکی به خاطر
هژمونی خود حاضر به تسلیمی و اطاعت نگردیده اند و هنوز که هنوز است به ایجاد
تشنجات لجام گسیخته ای خود در هر گوشه ای از جهان از هیچگونه تلاش دریغ نمی ورزند

----- با تقدیم احترامات 2016-08-30